

# ریاضی‌دانان معاصر ایران عبدالحسین مصحفی معلم و ناشر ریاضی

● دکتر رضاحیدری قزلقه، استادیار دانشگاه فرهنگیان تهران  
 ● تصویرگر: حمید خلوتی

۱. مصحفی در اسفند ماه سال ۱۳۰۳ در شهر کرمان به دنیا آمد. در کودکی خواندن قرآن را آموخت و در سال ۱۳۲۰ تحصیلات متوسطه اول را به پایان رساند. یک سال بعد از آن، پدرش درگذشت. پدر نابینایش، قاری و استاد قرآن (مصحف) و معلم بود که به شغل صحافی اشتغال داشت. عبدالحسین چون فرزند ارشد خانواده بود، می‌باید به کمک مادرش خانواده‌ای هفت نفری را اداره می‌کرد. بنابراین، در همان مدرسه محل تحصیل خود به تدریس پرداخت و زندگی حرفه‌ای معلمی را آغاز کرد. مدتی گذشت تا بفهمد که معلم خوب بودن کار ساده‌ای نیست و برای آن باید زحمت بسیار کشید. او حدود ۱۰ سال ضمن اداره مفازه صحافی پدر، تدریس هم می‌کرد.



در سال ۱۳۲۷ امتحانات نهایی پنجم متوسطه را با موفقیت گذراند و راهی خدمت نظام وظیفه شد. در ضمن خدمت سربازی، درس‌های سال ششم ریاضی را نزد خود آموخت و در سال ۱۳۳۰ و در ۲۷ سالگی موفق به دریافت دیپلم ریاضی شد. در همان سال در رشته ریاضی دانش‌سرای عالی تهران (دانشگاه خوارزمی فعلی) قبول شد. پس از سه سال لیسانس ریاضی گرفت و به یزد برگشت. هشت سال در یزد به تدریس ریاضی پرداخت. در سال ۱۳۳۷ ازدواج کرد. در سال ۱۳۴۱ به تهران منتقل شد و از آن پس در سمت‌های رسمی زیادی خدمت کرد.

۲. بدون شک، بزرگ‌ترین کار و اثر مصحفی را می‌توان انتشار مستمر و ۱۴ ساله مجله ریاضی «یکان» دانست؛ به طوری که بسیاری از افراد، مصحفی را با یکان می‌شناسند. او بدون چشم‌داشت مادی این مجله تخصصی را منتشر می‌کرد. در این باره می‌گوید: «سال‌ها به فکر تأسیس یک مجله ریاضی بودم، تا اینکه دوره کامل مجله ریاضیاتی که مرحوم دکتر غلامحسین مصاحب در سال ۱۳۰۹ منتشر کرده بود، به دستم رسید و مرا بیشتر تشویق کرد که به فکر انتشار یک مجله ریاضی باشم.»



نخستین شماره این مجله در بهمن ۱۳۴۲ انتشار یافت که بیش از حد انتظار با استقبال روبه‌رو و سه بار تجدید چاپ شد. پس از آن هم این مجله به‌طور مرتب تا ۱۱۸ شماره به‌طور ماهانه منتشر می‌شد. دفتر مجله که در خیابان لاله‌زار بود، تنها دو اتاق داشت و با این بضاعت کم بود که مجله چاپ می‌شد. ۳. محتوای مجله شامل موضوع‌ها و بخش‌های گوناگونی بود؛ نظیر: مسائل ریاضی، مقالات ریاضی، نقد و نظر، داستان‌های ریاضی، جواب سؤال‌های کنکور، تاریخ علم، زندگی‌نامه دانشمندان و غیره. آقای مصحفی ابتدا خودش مسائل را تهیه و یا طرح می‌کرد و سعی داشت مسائل، بدیع و ابتکاری باشند. اما در ادامه، استادان، دانشجویان و دانش‌آموزان به او کمک می‌کردند و مسائل و مقالات خود

را برای مجله می‌فرستادند. جلد اول مجله یکان با مقاله‌ای از پروفسور هشترودی درباره «بنیان ریاضیات جدید» و «تاریخ ریاضیات در ایران» از احمد بیرشک شروع شد. اعضای شورای نویسندگان مجله عبارت بودند از: پروفسور هشترودی، پروفسور تقی فاطمی، غلامحسین عسجدی، جهانگیر شمس‌آوری، احمد بیرشک و باقر اهامی.



۴. مجله یکان ارتباط بسیار وسیعی با دانش‌آموزان و معلمان ریاضی کشورمان برقرار کرده بود، به طوری که مخاطبان مجله با اشتیاق منتظر رسیدن آن به شهر خود بودند تا به محض توزیع مجله، آن را تهیه و مطالعه کنند. در هر شماره اسامی جمع زیادی از کسانی که برای مجله نامه و مقاله نوشته یا مسئله فرستاده بودند، چاپ می‌شد و از میان آنان عده‌ای به عنوان نماینده افتخاری مجله در شهرهای خودشان انتخاب می‌شدند. به این ترتیب، مجله توانسته بود علاقه‌مندان زیادی را از سراسر کشور جذب کند و شمارگان قابل قبولی داشته باشد.





۵. سرانجام در سال ۱۳۵۶، مصحفی به خاطر خستگی زیاد و مسائل مالی مجبور به تعطیل کردن مجله یکان شد؛

۶. هر شماره از مجله یکان از دو بخش عمده تشکیل می‌شد: یک بخش مجموعه‌ای از نوشتارها و بخش دیگر مجموعه‌ای از مسئله‌های گوناگون بود. از نوشتارهای هر شماره، دست‌کم دو یا سه مقاله به قلم استاد مصحفی بود که بیشتر آن‌ها بدون ذکر نام چاپ می‌شدند. تعداد این نوشتارها روی هم بیش از ۲۰ مقاله است. به غیر از این‌ها، ایشان برای چند مجله علمی و ریاضی دیگر نیز نوشتارهایی ترجمه و تألیف کرده‌اند که موارد چاپ شده

آن‌ها به ۷۶ مقاله می‌رسد. استاد در طول عمر پربرکت خود، به تألیف یا ترجمه حدود ۴۰ جلد کتاب هم دست زده است که از میان آن‌ها می‌توان به کتاب‌های درسی دوره متوسطه نظام قدیم، نجوم و کیهان‌شناسی، بازآموزی و بازشناخت هندسه، منطق و استدلال، داستان‌واره‌های ریاضی، و رام‌کردن و پرورش مسئله‌های ریاضی اشاره کرد.

۷. سازمان کتاب‌های درسی مرکزی علمی بود که در سال ۱۳۴۲ برای سروسامان دادن به کتاب‌های درسی به وجود آمد. در آن سازمان، مصحفی مسئول بخش ریاضی بود. با توجه به عمق و وسعت دانش خود، در این سمت با مسئولیت‌پذیری، پشتکار و علاقه‌مندی، کار نوشتن کتاب‌های درسی ریاضی را با همکاری استادان دیگر به بهترین شکل انجام رساند و نشان داد که یک صاحب نظر آموزشی است. او به آنچه می‌گفت باور داشت و همواره به دانش‌آموزان خود عشق می‌ورزید. جزو آن گروه از معلمان بود

که دانش‌آموزان به بنیة علمی و بی‌غرضی او اعتماد داشتند. در زبان فارسی متبحر بود، زبان عربی را برای شناختن ریاضیات کهن و زبان انگلیسی را برای درک ریاضیات امروزی می‌دانست. او یک آموزنده مادام‌العمر بود که شوق یادگیری و خدمتگزاری داشت و معنویت در زندگی او موج می‌زد.

۸. در اردیبهشت سال ۱۳۸۷، به پاس خدماتش در آموزش ریاضی کشور، دانشگاه یزد دکترای افتخاری آموزش ریاضی را به ایشان اعطا کرد. مصحفی اعتقاد داشت استعدادها درخشان منحصر آن‌هایی نیستند که در آزمون‌های ورودی مدرسه‌های خاص پذیرفته می‌شوند. در گوشه‌وکنار کشور و در آبادی‌های دوردست و حتی در شهرهای بزرگ، جوانانی هستند که با داشتن استعدادهای عالی، به علت کم‌بضاعتی خانواده‌هایشان به مدرسه و به محیط آموزش راه نیافته‌اند. اینان باید شناسایی شوند و امکان آموزششان فراهم آید. سرانجام، وی پس از عمری زندگی با عزت و خدمات فرهنگی ممتاز، اواخر اسفندماه ۱۳۹۱ بر اثر کهولت سن و پس از یک دوره بیماری، در سن ۸۸ سالگی دار فانی را وداع گفت.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق  
 ثبت است بر جریده عالم دوام ما  
 (حافظ)

● مسئله‌ای از کتاب داستان‌واره‌های ریاضی، ترجمه عبدالحسین مصحفی:

دو قطار در یک لحظه از دو ایستگاه A و B که در یک مسیر مستقیم به فاصله ۱۶ کیلومتر از یکدیگر قرار دارند، به طرف هم حرکت می‌کنند. سرعت هر قطار ۸۰ کیلومتر در ساعت است. در همان لحظه حرکت قطارها، پرنده‌ای از ایستگاه A با سرعت ۱۰۰ کیلومتر در ساعت به طرف ایستگاه B پرواز می‌کند. پرنده در لحظه‌ای که قطار مقابل را ملاقات می‌کند، جهت حرکت خود را تغییر داده به طرف قطار اول برمی‌گردد. بعد از ملاقات با این قطار، مجدداً جهت حرکتش را تغییر داده به طرف قطار دوم پرواز می‌کند. و این عمل را به همین ترتیب و با همان سرعت ثابت اولیه ادامه می‌دهد تا لحظه‌ای که دو قطار به یکدیگر برسند؛ که در این لحظه پرنده متوقف می‌شود. مشخص کنید این پرنده روی هم چند کیلومتر مسافت را در حال پرواز بوده است؟

